

ادای احترام به استاد انور شیخ

تقدیر اقتصادی

کامران نیری



انور شیخ (۱۹۴۵-۲۰۲۶)

اشاره

انور شیخ (۱۹۴۵-۲۰۲۶)، اقتصاددان برجسته‌ی مارکسیست در روزهای اخیر درگذشت. اما او، چنان‌که بایسته بود، در میان فارسی‌زبانان شناخته‌شده نیست. آثار اصلی او به فارسی برگردانده نشده و احتمالاً تنها یک مقاله و یک گفت‌وگو از او در سال‌های مختلف به فارسی منتشر شده است.^۱ این در حالی است که برای مثال، ویوک چپیر، سردبیر *کاتالیست* (نشریه‌ی تئوریک ژاکوبن) معتقد است «انور نه تنها چهره‌ای شاخص در میان اقتصاددانان دگراندیش (هترودوکس) بود، بلکه درخشان‌ترین اقتصاددان مارکسیست نسل خود و شاید مهم‌ترین آن‌ها پس از شخص کارل مارکس به شمار می‌رود.»

شاید یکی از دلایل گمنام‌ماندن انور شیخ در ایران را باید در همان معضلی جست‌وجو کرد که ویوک چپیر بر آن تأکید دارد: «در حالی که لایه‌های گوناگون "چپ نو" یکی پس از دیگری از اقتصاد سیاسی، مارکسیسم و حتی خود ماتریالیسم روی برمی‌گرداندند، انور همچنان بر مواضع خود پایدار ماند... در دورانی که بسیاری از روشنفکران مهاجر به رنگ پوست، زبان و قومیت خود متوسل می‌شدند، تا خود را در فرهنگ رادیکالی روزبه‌روز سطحی‌تر عرضه کنند، انور چنین نکرد... بلکه تنها انگیزه‌بخش او، تعهدات اخلاقی و سیاسی‌اش بود.»

در مقاله‌ی حاضر ابعادی از زندگی و میراث فکری انور شیخ را از زبان یکی از دانشجویان سابق وی و نویسندگان امروز سایت نقد اقتصاد سیاسی می‌خوانیم. (نقد اقتصاد سیاسی)

هفتم اکتبر باخبر شدم که انور شیخ، اقتصاددان برجسته، درگذشته است. او که در سال ۱۹۴۵ در کراچی پاکستان زاده شده بود، به‌هنگام مرگ ۸۱ سال داشت. می‌دانستم که اخیراً به سرطان لوزالمعده مبتلا شده بود که معمولاً لاعلاج است.

از نخستین سال‌ها تا حضور در «نیو اسکول»

شیخ در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۵ در کراچی به دنیا آمد. او دهه‌های اولیه‌ی زندگی خود را در کشورهای متعددی از جمله ترکیه، آمریکا، نیجریه، مالزی، کویت و کانادا گذراند، زیرا پدرش در وزارت امور خارجه‌ی پاکستان کار می‌کرد. او دوره‌ی دبیرستان را در شهر نیویورک به پایان رسانید. در سال ۱۹۶۵ شیخ مدرک کارشناسی را در رشته‌ی مهندسی از دانشگاه پرینستون دریافت کرد. پس از تدریس در مدرسه‌ی آمریکایی کویت، در برنامه‌ی دکترای اقتصاد دانشگاه کلمبیا ثبت نام نمود و رساله‌ی خود را با عنوان «نظریه‌های ارزش و نظریه‌های توزیع» تحت راهنمایی رونالد فایندلی در سال ۱۹۷۳ به پایان رساند.

در دوران دانشجویی‌اش در آمریکا، شیخ تحت تأثیر جنبش حقوق مدنی، مالکوم ایکس، بلاک پانترها^۲ و جریان‌های سوسیالیستی قرار گرفت.

شیخ به مدت ۵۰ سال، از ۱۹۷۲ تا زمانی که بازنشسته شد در سال ۲۰۲۲، استاد اقتصاد در «نیو اسکول» بود. نیو اسکول یک قرن پیش توسط گروه کوچکی از روشنفکران برجسته‌ی آمریکایی از جمله چارلز بیرد، جان دیویی، جیمز هاروی رابینسون و تورستین وبلن که از محدودیت‌های فکری دانشگاه‌های سنتی ناامید شده بودند در شهر نیویورک تأسیس شد. آنها اقدام به ایجاد نوع جدیدی از نهاد دانشگاهی کردند؛ نهادی که در آن اساتید و دانشجویان آزاد باشند تا صادقانه و مستقیماً به مشکلات پیش‌روی جوامع در قرن بیستم بپردازند. چشم‌انداز آنها گردهم‌آوردن محققان و شهروندانی بود که علاقه‌مند به پرسش، بحث و گفت‌وگو در مورد مهم‌ترین مسائل روز باشند. در سال ۱۹۳۳ نیو اسکول «دانشگاه در تبعید» (University in Exile) تأسیس کرد تا پناهگاهی امن و محیطی برای فعالیت‌های فکری پژوهشگرانی فراهم آورد که از تهدید فزاینده‌ی نازیسم در اروپا می‌گریختند. در دهه‌ی ۱۹۷۰ دپارتمان اقتصاد نیو اسکول به جلب اقتصاددانان مارکسیست، از جمله انور شیخ، پرداخت و بدین ترتیب مکانی برای کسانی شد که به مطالعه‌ی مارکس علاقه داشتند.

گرایش به اقتصاد سیاسی

شیخ در مصاحبه‌اش با بولگار مویا (۲۰۲۱)، مسیر حرکت خود به‌سوی اقتصاد سیاسی و مارکس را بازگو می‌کند. او گفت که با توجه به تجربه‌ی مستقیمش در زندگی در کشورهای مختلف، به اقتصاد سیاسی گرایش پیدا کرد چون:

«[می‌خواستم دلایل] سطوح بالای تفاوت در توسعه را بدانم [و این‌که]... چطور (می‌شود) به توسعه کمک کرد. و فکر می‌کردم درک علم اقتصاد بهترین راه است. اما وقتی به برای تحصیلات تکمیلی به دانشگاه کلمبیا رفتم فهمیدم که آنها از نظریه‌ی متعارف برای توضیح توسعه استفاده می‌کنند. و نظریه‌ی متعارف برای من هیچ معنایی نداشت. حداکثرسازی مطلوبیت، بهینه‌سازی، انتظارات عقلانی و رقابت کامل به نظر من اصلاً نمی‌توانست جهان را توضیح دهد یا حتی نمایانگر آن باشد.

«پس من درگیر تلاش برای بررسی برخی بنیادها کردم. و این باعث شد که جون رابینسون و سپس لئویتی پازینتی، هر دو اقتصاددان مکتب کمبریج، را بخوانم و بعد از آن به مارکس و اسمیت و ریکاردو بازگردم. و وقتی این کار را کردم، دریافتم که در این سنت جایگزین راهی برای پیشرفت وجود دارد، راهی که از آغازی کاملاً متفاوت شروع می‌شود، یعنی رفتار واقعی مردم، و از آن می‌توان تمام ابزارهای پایه‌ی اندیشه را استخراج کرد و سپس درباره‌ی دینامیسم اقتصادها صحبت کرد. اما همه‌ی این جوانب می‌باید در کنار هم قرار می‌گرفتند و از یک سطح تحلیلی به سطح دیگر سازگار شوند. و باید با شواهد تجربی و مشاهدات درباره‌ی سرمایه‌داری سازگار شوند. این کار زمان زیادی برد، زمان خیلی زیادی چون باید خلأها را پر می‌کردم. اگر مارکس را بخوانید، چیزی درباره‌ی تجارت وجود ندارد. اگر ریکاردو را بخوانید، هیچ چیزی درباره‌ی مبارزه‌ی طبقاتی نیست، پس نمی‌توانید آن‌ها را به‌سادگی با هم پیوند زد. سرافا هیچ چیزی درباره‌ی پول ندارد. من مجبور شدم چارچوبی به‌وجود آورم که به لحاظ درونی سازگار باشد و بتواند به سؤالات تجربی درباره‌ی دنیای مدرن پاسخ دهد. و این امر

ادای احترام به استادام انور شیخ

تقریباً ۲۰ سال طول کشید تا کتاب را منتشر کنم. من نوشتن را در سال ۱۹۹۷ شروع کردم و [کتاب] در ۲۰۱۶ منتشر شد.^۳

سرمایه‌داری: رقابت، درگیری، بحران

شیخ سه کتاب به‌تنهایی یا با همکاری دیگران تألیف کرده است، همراه با [مقالات زیادی](#) منتشر کرده ([همچنین به این لینک](#) مراجعه کنید)، فصل‌هایی از چند کتاب به قلم اوست و [مقالات در شرف بررسی](#) (working papers) متعددی دارد. کتاب «اندازه‌گیری ثروت ملل» (۱۹۹۴) که با همکاری احمد توناک نوشته است، به‌ویژه برای تبدیل نظام‌مند معیارهای حساب‌های ملی به مقولات مارکسیستی برای مطالعات تجربی مانند نرخ کاهش سود بسیار سودمند است.

شاهکار شیخ با عنوان «سرمایه‌داری: رقابت، درگیری، بحران» (۲۰۱۶) حاصل جامع چند دهه کار و دستاورد بزرگ اوست. (این کتاب بالغ بر ۷۶۱ صفحه متن، به علاوه‌ی ۱۳۶ صفحه پیوست و ۳۷ صفحه کتاب‌شناسی است).

جان گراهل (۲۰۱۷) در نقد آن در نیو لفت ریویو (New Left Review)

می‌نویسد:

«کتاب سرمایه‌داری انور شیخ چشم‌انداز تجدید اندیشه‌ای جامع‌تر از همه‌ی چیزهایی است که تاکنون انجام شده است. هم دامنه و هم عمق کتاب او، که به‌طور مفصل جریان اصلی و جریان‌های منتقد آن را در علم اقتصاد، و اقتصاد خرد و اقتصاد کلان پوشش می‌دهد، در نوشته‌های معاصر بی‌نظیر است. هدف آن محدود به نقد آموزه‌های رایج نیست. شیخ دیدگاه‌های اصلاح‌شده یا متضاد، را با پشتوانه‌ی مستند همراه با شواهد آماری، درباره‌ی هر مسئله‌ی مرکزی که به آن می‌پردازد ارائه می‌دهد تا شرحی جایگزین از کارکردهای نظام سرمایه‌داری و تحولات اخیر آن، به ویژه در ایالات متحده، به‌دست دهد.»

آنچه شیخ را از دیگر نظریه‌پردازان دگراندیش (هتردوکس) سرمایه‌داری متمایز می‌کند، قراردادن نظریه‌ی رقابت واقعی^۴ مارکس در کانون کتاب است.

«نظریه‌ی رقابت واقعی... پایه‌ی نظری تحلیل در این کتاب است. انگیزه‌ی سود ذاتاً انبساطی است: سرمایه‌گذاران تلاش می‌کنند پول بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری خود به دست آورند و اگر موفق شوند، می‌توانند بارها و بارها در مقیاس بزرگ‌تر این کار را انجام دهند و با دیگران که همین کار را می‌کنند برخورد کنند. برخی موفق می‌شوند، برخی فقط زنده می‌مانند و برخی کاملاً شکست می‌خورند. این رقابت واقعی است که ذاتاً خصمانه و در عمل متلاطم است. این مکانیسم تنظیم‌کننده‌ی اصلی سرمایه‌داری است و به همان اندازه که جنگ با رقص باله که رقابت کامل نئوکلاسیک ارایه می‌کند تفاوت دارد. رقابت درون یک صنعت هر تولیدکننده را مجبور می‌کند قیمت‌هایی تعیین کند که او را در بازی نگه دارد، همان طور که سرمایه‌دارن را مجبور می‌کند هزینه‌ها را کاهش دهند تا بتوانند قیمت‌ها را کاهش دهند و به‌طور مؤثر رقابت کنند. هزینه‌ها می‌توانند با کاهش دستمزدها و افزایش طول یا شدت روز کاری کاهش یابند، یا دست‌کم با کاهش رشد دستمزد نسبت به بهره‌وری. اما این‌ها باید با واکنش نیروی کار مقابله کنند، به همین دلیل تغییر در فناوری در بلندمدت به وسیله‌ای اساسی تبدیل می‌شود. در این زمینه، سرمایه‌های فردی تصمیمات خود را بر اساس قضاوت‌هایی درباره‌ی آینده‌ای ذاتاً نامشخص اتخاذ می‌کنند. رقابت، فروشنده را در برابر فروشنده، فروشنده را در برابر خریدار، سرمایه را در برابر خریدار، سرمایه را در برابر نیروی کار و کار را در برابر کار قرار می‌دهد. جنگ همه علیه همه^۶» (شیخ، ۲۰۱۶، ص. ۱۴).

شیخ متعلق به نسلی از اقتصاددانان مارکسیست جوان بود که خوانش جدیدی از سرمایه مارکس بر اساس نظریه رقابت واقعی ارائه دادند (فاین ۱۹۸۳، صص. ۹۰-۹۳؛ نیری، ۲۰۲۳، صفحات ۱۸-۲۸). از زمان نشر کتاب *سرمایه مالی* هیلفردینگ (۱۹۱۰)، جنبش سوسیالیستی به اشتباه باور کرده است که مارکس نظریه‌ی نئوکلاسیک رقابت کامل را اتخاذ کرده بود (نیری، ۲۰۲۳، صفحات ۱۸-۲۸، ۱۲۳-۱۳). بر این اساس، نظریه

پردازان نظریه‌های از امپریالیسم را توسعه دادند که در آن سرمایه‌داری دوره رقابتی «پیشرو» داشت که در نیمه سوم قرن نوزدهم پایان یافت و پس از آن مرحله «سرمایه‌داری انحصاری» ادامه یافت و از آن زمان تاکنون ادامه یافته و نمایانگر نظام سرمایه‌داری رو به زوال است. این دیدگاه تا نشر کتاب *سرمایه/انحصاری* پل باران و پل سویزی (۱۹۶۶) بدون چالش باقی ماند. پیش تر، پل باران از آن در کتاب «اقتصاد سیاسی رشد» (۱۹۵۷) برای ارائه نسخه‌ای «مارکسیستی» از نظریه وابستگی استفاده کرده بود. نظریه وابستگی منبع فکری جهان سوم گرایی^۶ بود.

اصلاحات نظری شیخ و دیگران در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به تضعیف نظریه وابستگی و جهان سوم گرایی کمک کرد و منجر به درک دوباره امپریالیسم به عنوان تجلی سرمایه به عنوان ارزش خودگستر^۷ انجامید.

شیخ به عنوان استاد

شیخ سخنران بسیار خوبی بود. او دوره‌ای در سطح دکترا درباره‌ی سرمایه تدریس می‌کرد که بر جنبه‌های خاصی از نظریه‌ی مارکس، مانند نظریه‌ی بحران که در زمان تدریس روی آن تحقیق می‌کرد، تمرکز داشت. به این ترتیب دانشجویان نظریه و ارزیابی تجربی آن را یاد می‌گرفتند. تعدادی از دانشجویانش دستیاران پژوهشی او شدند. او در کتاب «سرمایه‌داری: رقابت، درگیری، بحران» به سهم آن‌ها در پژوهش‌هایش اشاره می‌کند.

مانند شیخ، من نیز به مطالعه‌ی اقتصاد سیاسی علاقه‌مند شده بودم چون می‌خواستم درباره‌ی مشکلات توسعه‌ی تازه‌واردانی مانند ایران به بازار جهانی سرمایه‌داری بیاموزم. اما این علاقه همزمان با سیاسی‌شدن‌ام به عنوان یک سوسیالیست فعال در سال ۱۹۷۱ بود. به زودی من به نظریه‌ی انقلاب مداوم تروتسکی پایبند شدم که استدلال می‌کند برای حل مشکل عقب‌ماندگی، انقلاب مداوم سوسیالیستی در حال گسترش ضروری است. بنابراین، زندگی‌ام را وقف سوسیالیسم کردم و علاقه‌ام به اقتصاد در درجه‌ی دوم قرار گرفت.

در سال ۱۹۸۳، وقتی پس از سه سال و نیم شرکت در انقلاب ۱۳۵۷ ایران به نیویورک بازگشتم، تصمیم گرفتم کتاب سرمایه مارکس را مطالعه کنم و در برنامه‌ی دکتری اقتصاد «نیو اسکول» ثبت‌نام کردم. باین‌حال، زمان‌بندی نامناسب بود: راس تامسون که در دوره‌ی دو ترمی کارشناسی ارشد کتاب سرمایه تدریس می‌کرد، در مرخصی مطالعاتی بود، و وقتی من برای مطالعه‌ی کتاب سرمایه در دوره‌ی دکترا آماده شدم انور شیخ هم به مرخصی مطالعاتی رفت. استادانی که جایگزین آن‌ها شدند، معلمان خوبی نبودند. من برای جبران این بدشانسی پس از اتمام کلاس‌های دوره‌ی دکترا و قبولی در امتحانات جامع کتی و شفاهی آن دوره، در کلاس‌های شیخ به‌عنوان مستمع‌آزاد شرکت کردم.

برای پیگیری علاقه‌ام به عقب‌ماندگی اقتصادی تازه‌واردان، پایان‌نامه‌ام را به بررسی انتقادی نمونه‌هایی از نظریه‌های توسعه‌ی اقتصادی نوشتم. راس تامسون با مهربانی پذیرفت که استاد راهنمای من باشد. در حین تهیه‌ی پیشنهاد پایان‌نامه‌ام که دو سال طول کشید و برای آن نظریه‌های متأخر توسعه‌ی اقتصادی را مطالعه و خلاصه کردم، به پایه‌ای نظری برای ارزیابی مقایسه‌ای آن‌ها نیاز داشتم. بنابراین، به راه‌حل زیر رسیدم: «از آنجا که رقابت اصل سازمان‌دهنده‌ی اکثر نظریه‌های اقتصادی و

واسطه‌ی تحقق فرآیندهای توسعه به‌طور کلی است، این بررسی به نقش حیاتی اما عمدتاً بررسی‌ناشده‌ای در نظریه‌های توسعه‌ی متأخر می‌پردازد. نظریه‌های رقابت همچنین نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل تأثیر بازار سرمایه‌داری جهانی بر توسعه‌ی متأخر دارند.. (نیری، ۲۰۲۳، ص. ۷).

نظریه‌ی رقابت واقعی مارکس محور تفکر من در این زمینه شد. بنابراین، طبیعی بود که از شیخ بخواهم به کمیته‌ی پایان‌نامه‌ام بپیوندد و او با کمال میل پذیرفت. با نگاهی به گذشته، متوجه شده‌ام که در آن زمان شیخ در حال طرح‌ریزی رویکرد خود برای استفاده از نظریه‌ی رقابت مارکس برای اثری بود که ۲۸ سال بعد به شاهکارش تبدیل شد! رویکرد من به پرسشی محدودتر پرداخت، نظریه‌های متأخر توسعه‌ی سرمایه‌داری، برای رسیدن به نظریه‌ای از توسعه‌ی نابرابر و مرکب سرمایه‌داری متأخر. اما کتاب شیخ کل اقتصاد سیاسی را بازسازی کرده است.

ادای احترام به استادم انور شیخ

من خوش‌شانس بودم که زیر نظر انور شیخ و راس تامسون اقتصاد سیاسی را آموختم. رویکرد من به مسئله‌ی اقتصادی از آموزه‌های آن‌ها بهره می‌برد. افسوس اکنون هر دو استادم را از دست داده‌ام. راس تامسون، که از سال ۱۹۹۱ استاد اقتصاد در دانشگاه ورمانت بود، در ۱۲ فوریه ۲۰۱۵ به طور زودهنگام درگذشت. اکنون نیز دیگر استادم، انور شیخ، با گنجینه‌ای از پژوهش‌های ارزشمند اقتصادی را از دست داده‌ام. یادشان گرامی باد.

^۱ انور شیخ، نخستین رکود بزرگ قرن بیست‌ویکم؛ در پرویز صداقت (گردآورنده و مترجم)، از سقوط مالی تا رکود اقتصادی، نشر پژواک (۱۳۹۰)

گفت‌وگو با انور شیخ؛ در علم اقتصاد و چپ: گفت‌وگو با اقتصاددانان مترقی، ترجمه‌ی پیروز اشرف، نشر جهان کتاب، ۱۴۰۱

^۲ Black Panthers تشکلی سیاسی-چریکی از سیاهپوستان که بود ه جهت دفاع مسلحانه از سیاهپوستان در شهر اوکلند در کالیفرنیا در سال ۱۹۶۶ ایجاد شد و تا ۱۹۸۲ فعالیت داشت.

^۳ چند اشتباه دستوری واضح در متن وجود داشت که اصلاح کرده‌ام.

^۴ Real competition

در نوشته‌های اولیه‌اش، شیخ از اصطلاح رقابت آزاد استفاده می‌کرد.

^۵ 'Bellum omnium contra omnes

^۶ Third Worldism

^۷ Self-expanding value

منابع:

Fine, Ben. "Competition." A Dictionary of Marxist Thought. Edited by Tom Bottomore, Laurance Harris, V.G. Kierman, and Ralph Miliband. 1983.

Grahl, John. "A New Economics." New Left Review. March/April 2017.

Nayeri, Kamran. The Role of Competition in Theories of Late Capitalist Development. 1991

_____ Toward a Theory of Uneven and Combined Late Capitalist Development. 2023.

Pulgar Moya, Pablo. "An interview with Anwar Shaikh." Historical Materialism, May 8, 2021.

Shaikh, Anwar. Capitalism: Competition, Conflict, Crises. 2016.

Shaikh, Anwar and E. Ahmet Tonak. Measuring the Wealth of Nations:
The Political Economy of National Accounts. 1994.